

نقش تربیتی انتظار در خانواده و اجتماع

فاطمه ذبیحی
عضو حلقه علمی بلاغ

چکیده: اهمیت موضوع انتظار در میان مسلمانان و به‌ویژه شیعیان سبب شده که با حساسیت فوق‌العاده‌ای به بحث و بررسی آن بپردازند و دربارهٔ محورهای مختلف آن آثار تألیفی ارائه کنند. در پی تلاش‌های ارزشمند گذشتگان، امروزه منابعی غنی و قابل اعتماد باقی مانده و جامعه اسلامی از غرق شدن در دریای شبهات، دور نگاه داشته شده است.

انتظار فرج از مسائلی است که دشمن تلاش دارد آن را کمرنگ جلوه دهد. بر همین اساس این نوشته سعی دارد بر خلاف پندار دشمن، ارزشمندی این مسأله را بیان نماید. از آنجا که انسان برای رسیدن به کمال در هر جامعه‌ای نیازمند راهنما بوده، باید الگوهایی را برای این راه پرخطر انتخاب نماید که یاری‌گر او در تمامی مسائل اجتماعی، ظاهری، باطنی و به‌ویژه اعتقادی باشد. غالباً الگوی اصلی انسان در خانواده، پدر و مادر می‌باشند که از همان ابتدای کودکی با تربیت صحیح، فرزند را پرورش می‌دهند و ارزش‌های اسلامی را برای او بیان می‌نمایند که یکی از آن ارزش‌ها، اعتقاد به انتظار فرج می‌باشد. خانواده‌ها برای انتقال محبت امام زمان علیه السلام به فرزندان نقش به‌سزایی را بر عهده دارند.

بنابراین لازم است که والدین تلاش نمایند نسلی «منتظر» را پرورش دهند. این بیت فرزندان و در پایان به نمونه‌ای از راه‌کارها

در فرهنگ‌سازی اشاره نموده است.
کلید واژگان: فرهنگ انتظار، خانواده، تربیت.

مقدمه

در روزگاری به سر می‌پریم که عصر امامت آخرین حجت خداست. طولانی شدن غیبت آن امام، برداشت‌های سطحی و آمیخته با افراط و تفریط و ادعاهای کاذب، جای هرگونه تفکر و درست‌اندیشی را گرفته و وظایف منتظران را از همیشه سنگین‌تر نموده است. صاحب‌نظران و اهل اندیشه باید در موضوع مهدویت به تلاش‌های وسیع‌تری روی آورند تا با الهام از آیات روایات تصویری درست برای نسل امروز عرضه کنند و آن را در جامعه اسلامی نهادینه نمایند.

از آنجا که اساس شخصیت هر فرد ابتدا در خانواده پایه‌ریزی می‌شود، نهادینه کردن این اعتقاد نیز باید از خانواده آغاز شود، چرا که خانواده‌ها کانون تعلیم و تربیت می‌باشند و جامعه از خانواده‌ها تشکیل یافته است.

همچنین با توجه به اینکه دشمنان اسلام در صدد هستند فرهنگ پوچ و بی‌محتوای خود را جای‌گزین فرهنگ ناب و ارزشمند مسلمانان، به‌ویژه منتظران نمایند، برای مقابله با فرهنگ بیگانه نیاز است روش و شیوه‌های گسترش و تعمیق فرهنگ انتظار، بیش از پیش توسعه یابد. نویسندگان در این اثر می‌کوشد که بعضی از راه‌های گسترش این فرهنگ تشریح شود.

نقش تربیتی انتظار در خانواده و اجتماع

تعاریف

الف. فرهنگ

فرهنگ در لغت ترکیبی از "فر" که پیشاوند است و "هنگ" از ریشهٔ تنک اوستایی به معنای کشیدن است و در لاتین به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت آمده است.^۱

تعریف فرهنگ از دیدگاه‌های مختلف

برای واژهٔ فرهنگ تعاریف زیادی بیان گردیده است که چند تعریف را می‌آوریم:
تایلر فرهنگ را این‌گونه تعریف کرده است: «فرهنگ مجموعهٔ پیچیده‌ای است

۱. علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ص ۱۵۱۰۹.

که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، متون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و جامعه در برابر آن وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.^۱

- تعریف فرهنگ از دیدگاه گی روشه: «فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها، احساسات و اعمال کم و بیش صریح است که به وسیله اکثریت افراد یک گروه یا جامعه پذیرفته شده و برای اینکه این افراد گروهی معین و مشخص را تشکیل دهند لازم است که آن مجموعه به هم پیوسته به نحوی در عین حال عینی و سمبلیک مراعات گردد.»^۲

- اصطلاح فرهنگ اسلامی که در سال‌های اخیر و خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در آثار علمای دین رواج یافته و نیز در کتب درسی که تحت این عنوان منتشر شده، غالباً به معنای بینش، اصول و فروع دین و مسائل فکری و نظری در معتقدات اسلامی است و معادل اصطلاح «معارف اسلامی» به کار می‌رود.^۳ از میان تعاریفی که ذکر گردید، همین تعریف مورد بحث می‌باشد.

ب. انتظار

انتظار زیباترین و کامل‌ترین جلوه بندگی حق تعالی است به گونه‌ای که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج من الله عزّوجلّ»؛ «برترین کارهای امت من، انتظار فرج از خداوند است.» به همین جهت در فرهنگ دینی مسلمانان، منتظران مقام والا دارند. انتظار یعنی «چشم داشتن» و «چشم به راه بودن» برای یک تحول، یک رویداد خوب و یک گشایش، ... یا چشم به راه آینده‌ای مطلوب، چشم به راه عزیزی سفر کرده یا یک منجی. این معنا در سرشت همه انسان‌ها عجین شده است و می‌توان گفت که همه انسان‌ها به نوعی منتظرند. به بیان دیگر انتظار یا امید به آینده هم‌زاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون، رکود، مرگ و تباهی نخواهد داشت. از همین رو، در کلام پیامبر گرامی ﷺ آمده است:

۱. محمود روح الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. همان، صص ۱۴ و ۱۵.

. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸، باب ۲۳.

«الأمل رحمة لأمتي و لولا الأمل ما أرضعت والدة ولدها و غرس غارس شجراً!»؛^۱ امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت».

در هر حال انتظار و چشم به راه آینده بودن، شعله‌ای در وجود انسان است که هر چه فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او نیز بیشتر خواهد بود. با توجه به اهمیت امید به آینده و انتظار فرج در زندگی انسان‌ها، مکتب اسلام تلاش نموده است با تقویت این روحیه، تلاش و سرزندگی جوامع اسلامی و مسلمانان را به نهایت رسانده و آنها را در هر زمان پویا و پایدار بدارد.

انتظار در فرهنگ شیعه

انتظار منجی از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت و از سوی دیگر عاملی برای پویایی و آماده‌باش همیشگی شیعیان است. بر اساس تعالیم ائمه معصومین علیهم‌السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خداوند به ظهور تعلق گرفت، بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا حاضر شود.

در فرهنگ شیعه منجی موعود، به عنوان تداوم‌بخش رسالت انبیا یا وارث اولیای الهی و در یک کلام حجت خدا بر روی زمین مطرح شده است. به اعتقاد شیعه حجت خداوند بر روی زمین از طرفی راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسان‌ها می‌توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند.

با توجه به آنچه گفته شد، درمی‌یابیم که انتظار حجت علیه‌السلام انتظاری زنده و پویا است که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می‌شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول می‌سازد.^۲

ج. خانواده

مقصود از خانواده، همه کسانی هستند که به طور مستمر یا غالباً با کودکان زندگی می‌کنند؛ مانند پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ، برادر و خواهر، گاهی هم یک خدمت‌کار جزء خانواده به شمار می‌رود. ولی سرپرست فرزندان، همان پدر و

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵، باب ۷.

۲. ستاد احیا و گسترش فرهنگ مهدویت، برترین‌های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، صص ۶۶ و ۷۸.

مادرند که باعث وجود او هستند و در تربیت فرزندان، نقش مهمی و وظیفه سنگینی را عهده‌دار هستند. والدین فقط وظیفه‌ای برای استمرار نسل ندارند، بلکه وظیفه مهم والدین تربیت فرزندان است. اسلام تربیت و تأدیب را یکی از حقوق فرزندان می‌داند و اگر پدر و مادر در انجام آن کوتاهی کنند، مورد عاق فرزند قرار گرفته و در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرند. پس یکی از وظایف مهم و سنگین والدین تربیت نسل آینده می‌باشد!

افزون بر تعریفی که مطرح شد، تعاریف متعددی در رابطه با خانواده گفته شده است که ما به همین تعریف بسنده می‌کنیم.

فلسفه انتظار

فلسفه انتظار، دمیدن روح امیدواری و پایداری است. انتظار و عقیده به ظهور مصلح، شیعه را در جریان زمان، برای مقاومت پرورش داد و جامعه شیعه را از زوال نگاه داشت و تا امروز، این عقیده، عامل بقای شیعه و پایداری اوست. شیعیانی که با وضعیت اسفبار حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس روبه‌رو شده بودند، اگر منتظر و آینده‌بین نمی‌بودند و به پیروزی حق اعتقاد نمی‌داشتند، هرگز برای آنان حال مقاومت باقی نمی‌ماند و از دگرگون شدن اوضاع ناامید می‌شدند.

یکی از ریشه‌های نهضت‌های شیعه علیه باطل، همین فلسفه انتظار بوده است که به عنوان یک عامل و ماده حیاتی مهم، رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون نیز از عوامل بقای جامعه مسلمانان است.

از آثار انتظار می‌توان به چند مورد مهم ذیل اشاره کرد:

آثار فردی

الف. انتظار، عامل بهداشت روانی

در مقوله‌های تربیتی، فرد سالم، زمینه‌ساز جامعه سالم و جامعه سالم، عامل تداوم و بقای فرد سالم است و این دو در تعامل با یکدیگرند. بنابراین نوعی هم‌آهنگی منطقی میان سلامت اخلاقی فرد و سلامت اخلاقی جامعه وجود دارد. گفتنی است که منظور از واژه «سلامت»، مصونیت در سطح «فرد در جامعه» است. مصونیت دین در پرتو تقوا امکان‌پذیر است. همان عاملی که عمل به آن، یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان و پیروان امام عصر علیه السلام در زمان غیبت است. زیرا آن امام، معنای تقواست و انتظار منطقی

۱. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۶۴.

آن است که منتظرانش نیز از نوعی سنخیت نسبی با ایشان برخوردار باشند تا در اظهار محبت و ارادت آنان به آن حضرت، نشانه‌ای از صداقت، مشاهده شود. از سوی دیگر، در رأس فرمایشات معصومین علیهم‌السلام سفارش به تقوا به چشم می‌خورد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «قسم به خدا، شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید؛ پس ما را نسبت به این امر (دین‌داری خودتان) به وسیلهٔ ورع و اجتهاد یاری نمایید.»^۱ ایشان در سفارش دیگری می‌افزاید: «بر شما لازم است رعایت کردن ورع؛ به درستی که ورع، آن دینی است که ما ملتزم به آن هستیم و خدا را به وسیلهٔ آن بندگی می‌کنیم و همین را از اهل ولایت و محبت خود انتظار داریم. ما را برای شفاعت کردن به سختی و زحمت نیندازید.»^۲

سیری کوتاه در زندگی و حالات نواب خاص آن حضرت بیان‌گر این واقعیت است که همهٔ آن بزرگواران، اهل پرهیزکاری و یگانهٔ زمان خویش بودند، همچنین گذری بر زندگی‌نامهٔ افراد سعادت‌مندی که در دوران غیبت، به دیدار آن حضرت مشرف شده‌اند، مؤید همین معناست که آنان نیز در برخوردارگی از خصیصهٔ تقوا و پاکی نیت، از بهترین‌های دوران خود بوده‌اند.

بر این اساس، ورع، تقوا و خویشنداری در بحث انتظار آن حضرت و ارادت صادقانه به ایشان، نقشی محوری دارد؛ به این معنا که منتظران حقیقی، دارای خصیصهٔ تقوا هستند و نیز پدیدهٔ «انتظار» در فرد و جامعهٔ منتظر به گونه‌ای منطقی، تقوا می‌آفریند و فرد و جامعه، هر دو را به سوی سلامت اخلاقی سوق می‌دهد، چنین نتیجه‌ای را می‌توان به شکل زیر صورت‌بندی منطقی بخشید.

منتظر حقیقی نیک می‌داند که محبت به امام زمان علیه‌السلام شرط لازم است، ولی شرط کافی، تبعیت و جلب رضایت ایشان است و جلب رضایت با تحقق خواسته‌های آن امام، از جمله رعایت «تقوای الهی» حاصل خواهد شد؛ بنابراین به میزان عشق و ارادت خویش، در جهت رشد، تقوا و خویشنداری می‌کوشد. از این رو، انسان منتظر، انسانی متخلّق است که صفت تقوا در اوج صفات دیگر وی، جای گرفته است.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۷، ح ۲۰۴۱۰.
 ۲. همان، ص ۲۴۸، ح ۲۰۴۱۱.

ب. انتظار، عامل وحدت و همبستگی از بعد فردی و اجتماعی

چنانچه، انتظار را به عنوان یک آرمان بنگریم، در جنبه‌های فردی نیز دارای آثاری خواهد بود و موجب تمرکز افکار و نیروهای آدمی می‌شود؛ زیرا همه آنها ناظر به یک هدف، یعنی انتظار ظهور هستند و این امر به نوبه خود موجب وحدت شخصیت او می‌گردد. در مقابل، می‌توان به پراکنده و متفرق بودن تلاش‌های انسان اشاره نمود که هیچ نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت، این نکته در قرآن کریم چنین آمده است: ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۱﴾؛ «هر آینه سعی و کوشش شما پراکنده است».

وحدت شخصیت از هرز رفتن توانایی‌ها و قابلیت‌ها جلوگیری می‌کند و زمینه رشد و ظهور قدرتی شگرف و فوق‌العاده را فراهم می‌کند؛ زیرا چنین وحدتی در درون آدمی، تضادهای درونی را از میان برمی‌دارد؛ همان تضادهایی که برخی انسان‌ها را پیوسته رنج داده و توانشان را به شدت می‌کاهد.

در اینجا به نقل مطلبی از کارن هورنای - از روان‌کاوان هم‌عصر ما - می‌پردازیم. وی با تألیف معروف‌ترین اثرش به نام تضادهای درونی ما معتقد است که: «بیش‌ترین عامل اثرگذار بر سلامت روانی اشخاص را باید در پدیده‌های درونی آنها جست‌وجو نمود و چنانچه آنان بتوانند به گونه‌ای بر این تضادها فائق آیند، دیگر موجبی برای اختلال در سلامت روانی آنان وجود نخواهد داشت».^۲

از بعد اجتماعی نیز وحدت قابل تأمل است. وجود هدف مشترک در یک ملت یا جامعه، موجب نوعی پیوند، دل‌بستگی و وحدت میان معتقدان به آن هدف می‌شود. در میان جامعه‌ای که بزرگ‌ترین آرمانش، ظهور امام عصر علیه السلام است، نوعی هم‌دلی، هم‌نوایی و هم‌اندیشی پدید می‌آید. چنین هدفی از چند جهت از هدف‌های دیگر متمایز است.

این هدف چون در واژه «انتظار» معنی می‌یابد، دارای قداست ویژه‌ای است و هیچ هدف دیگری در معنویت و قداست به پایه آن نمی‌رسد، چرا که این یک انتظار معمولی نیست، بلکه طولانی‌ترین انتظار برای ظهور کامل‌ترین انسان عصر است.

چنین هدفی که با مسأله امامت و رهبری حضرت ولی عصر علیه السلام در عصر ظهور ایشان ارتباط می‌یابد، از لحاظ مراتب ارزشی، در اوج اهداف و آرمان‌های یک جامعه قرار می‌گیرد؛ زیرا هیچ موضوع دیگر مانند این امر، در حیات و بقای جامعه، اثر

۱. لیل/۴.

. کارن هورنای، تضادهای درونی ما، ص ۱۵۲.

نمی‌گذارد؛ چه آنکه، به یمن وجود او به خلق، روزی می‌رسد: «... و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء...»^۱؛ «و به واسطه او خدا زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آنکه پر از بیداد و ستم شده باشد.»

آثار اجتماعی

الف. انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام

«ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و امام معصوم علیه السلام در هر عصر و زمان از مهم‌ترین نقاط تمایز این مکتب از سایر مکتب‌هاست. از دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام و به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است؛ البته انتظاری به همان مفهوم درست، یعنی امید به ظهور و قیام عدالت‌گستر دوازدهمین امام معصوم علیه السلام از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همو که در حال حاضر حجت خدا، واسطه فیض الهی، زنده، شاهد و ناظر بر اعمال شیعیان خود و فریادرس آنان در گرفتاری‌ها و ناملایمات است.^۲

ب. پایداری در برابر تهاجم بیگانه

مهم‌ترین امری که مسلمانان را در برابر فشارهای دشمنان مقاوم می‌کرد و آنها را در اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه‌های اسلامی شجاع و دلیر می‌کرد، وعده‌های قرآن و پیغمبر صلی الله علیه و آله بود که این دین از بین نمی‌رود و آینده از آن اسلام خواهد بود.^۳ این وعده‌ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی‌امیه، جنگ‌های صلیبی، هجوم چنگیز و هجوم استعمارگران قرن اخیر، پایدار و شکیبنا نگاه داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت.

مسلمانان همیشه به سوی آینده می‌نگرند، وضع موجود اگرچه نسبتاً خوب و عادلانه باشد، قانع نمی‌شود و آن را پایان راه نمی‌شمارند؛ و اگر هم حاکمیت و فضای موجود، ظالمانه و غیراسلامی باشد، در هر شرایطی، ناامید نمی‌شوند و وظیفه دارند که ظلم، فساد، تجاوز، جهل، خودکامگی و استضعاف را محکوم سازند و برای حصول هدف‌های اسلام، کوشش و تلاش بیشتر نموده تا به سهم خود به اسلام عزیز و به نوع

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای عدیله.

۲. ستاد احیا و گسترش فرهنگ مهدویت، برترین‌های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، ص ۸۹.

۳. لطف‌الله صافی، انتظار عامل مقاومت و حرکت، ص ۶۸.

بشر و جوامع متحیر و مضطرب خدمت نمایند. بر اساس فلسفه انتظار بر مسلمانان، کناره‌گیری و تماشاگر صحنه‌های تباهی، فساد، فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز روا نیست.

خانواده و اهداف تربیت نسل منتظر

والدین برای تربیت فرزندان خود اهدافی را در نظر دارند که با توجه به آن اهداف فرزندان‌شان را تربیت می‌کنند و در سیر تربیتی خود تلاش می‌کنند تا فرزندان‌شان شایسته پرورش دهند.

یک خانواده مهدوی برای تربیت نسل منتظر اهدافی دارد که به چند نمونه از آن اشاره خواهیم کرد:

ج. اعتقاد و التزام به امامت امام زمان (عج)

انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو و کسانی که آشنایی کمتری با امام مهدی (عج) دارند، کاری بسیار سخت و در عین حال، با ظرافت است و کم‌ترین کج‌سلیقگی در آن باعث وازدگی از این فرهنگ خواهد شد. زیرا فرهنگ انتظار، فرهنگ ارزش‌ها و همان فرهنگ دین است و همان‌طور که انتقال ارزش‌های دینی بدون ظرافت‌های خاص خود، ممکن نیست انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آنها به عنوان نومنتظران ظهور حضرت مهدی (عج) نیز، بدون شیوه‌های خاص خود ممکن نخواهد بود.

بحث در این موضوع را با این سؤال آغاز می‌کنیم که فرهنگ مهدویت و انتظار چیست؟ و اهدافی که ما با انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو به دنبال تأمین آنها هستیم کدام‌اند؟ فرهنگ مهدویت قبل از اینکه به نجات و رستگاری بشر در آینده مربوط باشد، به وضع کنونی جامعه شیعه مربوط است. بی‌شک، شیعه بودن یک فرد در زمان ما در گرو اعتقاد و التزام به امامت امام زمان (عج) است، زیرا در آموزه‌های شیعی آمده است که در هر عصری، امامی از سوی خداوند برای مردم تعیین شده و ایمان و اسلام فرد، جز به شناخت او و اقرار و التزام به امامتش، پذیرفته نخواهد بود. و بدون این امر، رهایی از پی‌آمدهای مرگ، همچون مرگ در دوران جاهلیت، ممکن نیست.^۱ پس باید به فرزندان‌مان بیاموزیم حضرت مهدی (عج) کیست و چه نقشی در زندگی ما دارد؟ فرزندان‌مان باید بدانند حضرت مهدی (عج) امامی است که خداوند برای بشریت تعیین کرده و سعادت اخروی در گرو اعتقاد و التزام به امامت اوست. بنابراین اولین

۱. «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»، رک: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۲، باب ۸.

هدفی که ما در انتقال فرهنگ مهدویت به دنبال تأمین آن هستیم، سعادت‌مند شدن فرزندان‌مان در آخرت است.

د. تربیت زمینه‌سازان ظهور

دومین هدف ما تربیت زمینه‌سازان ظهور است. بی‌تردید ظهور امام زمان عجل الله فرجه مرهون زمینه‌سازی و آمادگی عمومی مردم جهت پذیرش امر ظهور است. معتقدان به امام زمان، باید زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند و این امر، با شناساندن وضعیت مطلوب و ایده‌آل، به جهانیان ممکن خواهد بود. زیرا اگر جامعه بشری وضعیت مطلوب و حیات برتری را که در جامعه مهدوی به مردم وعده داده شده است، بشناسند زودتر از مکاتب دیگر مایوس شده و مشتاق تحقق جامعه آرمانی مهدوی می‌شوند.

ه. آشنا کردن نسل منتظر با وضعیت مطلوب

از دیگر اهداف انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو، در واقع آشنا کردن آنها با وضعیت مطلوب جامعه بشری، به منظور شناخت جایگاه وضعیت موجود، و سپس شناساندن وضعیت مطلوب به جامعه جهانی توسط آنان است. نسل نو باید وضعیتی را که در جامعه مهدوی تحقق خواهد یافت، بشناسد تا بتواند جایگاه وضعیت موجود را مورد نقد و بررسی قرار دهد. کسی که از وضعیت مطلوب بی‌خبر باشد، کاستی‌های وضعیت موجود را نیز نخواهد شناخت و در این صورت چه بسا ممکن است وضعیت موجود را بهترین وضعیتی بداند که برای بشریت دست‌یافتنی است. از این رو، یکی از اصلی‌ترین اهداف انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو، شناساندن کاستی‌های وضعیت موجود به آنها و جلوگیری از رضایت به حال کنونی جامعه است. نسل نو بعد از شناخت کاستی‌های وضعیت موجود، تلاش می‌کند تا وضعیت ایده‌آل بشری را برای جهانیان تبیین نماید و تبیین آن وضعیت برای جهانیان باعث پیدایش شوق و رغبت در آنها نسبت به تحقق چنین وضعیتی خواهد شد. پیدایش این اشتیاق جهانی، یکی از مقدمات ظهور امام مهدی عجل الله فرجه است. در غیر این صورت امام مهدی عجل الله فرجه می‌بایست بیشتر از نیمی از مردم جهان را سرکوب نماید و چنین امری با هدف ظهور آن حضرت هم‌خوانی ندارد.

و. هم‌سان‌سازی شخصیت نسل منتظر با ایده‌آل‌ها

و در نهایت هدف دیگری که در انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو دنبال می‌شود، هم‌سان‌سازی شخصیت آنها با ایده‌آل‌های جامعه آرمانی است. نسل نو با شناخت های انسان عصر مهدوی، تلاش می‌کند خود را با این شاخصه‌ها هم‌آهنگ

و با انسان‌های عصر ظهور هم‌گون نماید. و این، همان مطلبی است که امروزه از آن به عنوان تربیت مدیر و نیروی انسانی یاد می‌شود. بی‌شک یاران حضرت مهدی علیه السلام و مدیران حکومت آن حضرت، از بین همین منتظران ظهور خواهند بود، بنابراین لازم است نسل نو، هم‌آهنگ با شاخصه‌های انسان عصر مهدوی تربیت شوند، زیرا در غیر این صورت هرگز ظهوری رخ نخواهد داد. با توجه به مطالب گذشته، پر واضح است که یکی از ضروری‌ترین نیازهای نسل نو، آشناسازی آنان با فرهنگ مهدویت و انتظار است. یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای تأمین این هدف، بستر سازی است، همان‌گونه که گیاه در بستر مناسب، جوانه زده و رشد می‌کند و پرورش آن، بدون فراهم نمودن آب و خاک و هوای مناسب ممکن نیست، پرورش نسل نو و تبدیل آنها به نومنتظران ظهور امام مهدی علیه السلام نیز بدون بذریه‌پاشی در بستر مناسب و فضای سالم، ممکن نخواهد بود. بذر اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار، برای جوانه زدن در وجود آدمی، نیازمند بستر و فضایی مناسب است تا رشد و نمو نموده و در وجود آدمی ریشه دوانده و به درخت پرمیوه انتظار پویا تبدیل شود.

عوامل محبوبیت امام عصر علیه السلام نزد فرزندان

۱. عوامل قبل از تولد

۱.۱. عامل وراثت

نقش وراثت و انتقال خلق و خوی‌های والدین به فرزندان بر کسی پوشیده نیست. وراثت با وجود اختیار فرزندان، زمینه و بستر مناسبی برای پذیرش و حرکت فرزندان به سمت‌وسوی خاص را فراهم می‌آورد. بنابراین والدینی که محبت اهل بیت علیهم السلام، در جان آنها ریشه دارد، می‌توانند به خوبی فرهنگ انتظار را به فرزندان‌شان انتقال دهند.

۱.۲. انتخاب همسر

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تَرَوُجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ»؛ «با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا خون اثر دارد». نیز آن حضرت می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِئُطْفِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْيَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَ أَخَوَاتِهِنَّ»؛ «برای نطفه‌های خود گزینش کنید، زیرا زنان، فرزندان‌های همانند برادران و خواهران خود را می‌زایند». همچنین برخی

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۲۵۸. همان.

از روایات، از ازدواج با برخی نهی کرده است؛ مانند زن زیبارویی که در خانواده فاسد رشد کرده است^۱ یا زن نادان، زن بدزبان، مرد شراب‌خوار، بداخلاق و ... این روایات در حقیقت به نوعی نقش وراثت را در انتقال ویژگی‌ها از والدین به فرزندان بیان می‌کنند. از این رو، برخی از دانشمندان نقش وراثت را در ناهنجاری‌های اجتماعی و تبه‌کاران برجسته کرده‌اند. در تأثیر وراثت در تربیت، به نفرین حضرت نوح علیه السلام در قرآن توجه کنید که از خدا می‌خواهد کسی از کافران را برجای نگذارد تا دیگر نسل پلید و کافر زاده نشود: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يَظْلُوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا»^۲؛ «نوح علیه السلام گفت: پروردگارا! هیچ‌کس از کافران را بر روی زمین مگذار، چرا که اگر تو آنان را باقی نهی، بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزنند».

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «حَسَنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ»^۳؛ «خوی نکو، نشان وراثت نیکوست». تأثیر وراثت، به معنای اختیار نداشتن انسان نیست؛ بلکه بیان روند طبیعی انتقال صفات از اصل به فرع است. در حقیقت سعادت، شقاوت، کفر، ایمان و ... در کودک حالت تعلیقی دارد که چون در محیط مساعد قرار گیرد، به فعلیت می‌رسد. به بیان دیگر، «نقش وراثت آن است که زمینه‌های سرشتی را قوی‌تر می‌کند و ضریب امکان تحقق آنها را در شرایط محیطی مناسب افزایش می‌دهد»^۴. پس اگر انسان در انتخاب همسر دقت کند و عوامل دینی و اخلاقی را در اولویت قرار دهد، زمینه بیشتری فراهم می‌آورد تا در آینده بتواند محبت حضرت مهدی علیه السلام را به فرزند خود انتقال دهد.

۳.۱. رزق حلال

خوردن و آشامیدن، شرط حیات انسان و امری است که امر و نهی نمی‌پذیرد. اما اینکه انسان چه بخورد و چه نخورد، مهم است. از این رو مکتب اسلام، برای این مسأله اهمیت فراوان قائل شده و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا»^۵. همچنین در حدیث شریف است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۲۶۰.

۲. نوح/۲۷ و ۲۶.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۴۰.

۴. بهروز رفیعی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۱۶۴.

۵. نحل/۱۱۴.

«طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»^۱. همچنین مسلمانان از پی آمدهای بد غذای حرام برحذر شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»؛ «ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق نخورید». بنابراین، والدین پیش از به دنیا آمدن فرزند، باید بدانند چه غذایی بخورند تا بستری مناسب را آماده کنند که در آینده فرزندشان آمادگی پذیرش محبت اهل بیت علیهم‌السلام را بیابد.

۱.۴. رعایت آداب زناشویی

بدون شک اخلاق، روحیات، افکار و حالات مختلف افراد، بر ژن‌ها اثر می‌گذارد، آن وقت می‌بینیم اسلام که آیینی جهانی است و برای تمام ساعات زندگی بشر برنامه‌ریزی کرده و هیچ لحظه‌ای را خدا نادیده نگرفته است، حتی هنگام آمیزش هم که وقت حساسی است و یقیناً روحیات شخص روی نسل تأثیر دارد، انسان را خاموش و به حال خود رها نکرده است و بیان می‌دارد:

«در چنین حالی هم، زبان از یاد خدا غافل نباشد، حتی مسلمان وضو بگیرد تا در رعایت این بهداشت و نظافت یک نوع طراوت و شادابی در زن و مرد به وجود آید و در نتیجه، همین شادابی باعث زنده‌دلی و زیرکی کودک شود»^۲.
پس باید توجه داشت که خیلی از مسائل، قبل از تولد می‌تواند بر تربیت فرزند تأثیرگذار باشد که باید دقت لازم را به کار بست.

۲. عوامل بعد از تولد

۱.۲. محیط

انواع محیط‌های مؤثر بر تربیت

تقسیم‌بندی‌های مختلفی می‌توان پیرامون محیط انجام داد و تأثیرات آن را بر تربیت مورد مطالعه قرار داد. در یک تقسیم‌بندی کلی، محیط به دو محیط قبل و بعد از تولد تقسیم می‌شود. امروزه روان‌شناسان تأثیر عوامل محیطی قبل از تولد را بر انواع ویژگی‌های رشدی و تربیتی مسلم می‌دانند. در محیط بعد از تولد ویژگی‌های شخصیتی والدین، شیوه‌های تربیتی، انواع امکانات اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی محیط رشد کودک، دارای اهمیت به‌شمار می‌روند. در یک تقسیم‌بندی عمومی محیط

۱. رک: شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰.

۲. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۲۲۱.

. محمد کاظم، الزواج المبکر فی الطب و الدین و المجتمع، ص ۱۶۵.

مؤثر بر تربیت فرد به دو دسته محیط خانواده و محیط اجتماعی تقسیم می‌شوند. تربیتی که شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه در فضای معمولی محیط‌های طبیعی، بلکه در محیطی بسیار پیچیده که با رفتار افراد دیگر خلق و ایجاد شده است، انجام می‌پذیرد. منظور از محیط پیچیده اجتماعی الگوهای فرهنگی، طبقه اجتماعی، شیوه‌های تربیتی فرزندان، ساختار خانواده، سیستم‌های تعلیم و تربیت و الگوهای استخدای است. هر کدام از اینها به نوعی تأثیرات خود بر تربیت افراد را نشان داده‌اند.

۲.۲. تربیت

تربیت فرزندان تنها در آموزش خلاصه نمی‌شود. بلکه مهم‌تر از آموزش، پرورش است که باید به آن توجه کافی شود، متأسفانه در دنیای کنونی مردم در بعد پرورش، عمده نظر خود را به پرورش جسم فرزندان‌شان معطوف داشته‌اند؛ به غذا، لباس، اسباب بازی، سلامت و بهداشت، وزن، زیبایی و امثال این‌ها اهمیت می‌دهند، ولی هیچ توجهی به پرورش روح فرزندان ندارند، در حالی که در اسلام سلامت تن همراه با سلامت روح و روان مطرح است، لباس زیبا و غذای خوب، همراه با اخلاق نیکو و ادب صحیح مورد توجه است. هم باید فرزندان را به بازی واداشت، هم به عبادت و امور دینی. هم باید وزن کودک را در نظر داشت و هم باید میزان اخلاق و رفتار نیکو و شایسته را در نظر گرفت. هم لباس زیبا برای فرزندان لازم است و هم نام نیکو.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «خیر ما ورث الآباء للأبناء الأدب»؛ «بهترین ارثی که پدران می‌توانند به فرزندان خویش بدهند، ادب و تربیت صحیح است».

نتیجه

محیط خانه و خانواده از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر تربیت و رشد صحیح فرزندان تأثیر بگذارد. تربیت فرزندان تنها در آموزش خلاصه نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از آموزش، پرورش است که باید به آن توجه کافی شود. بنابراین خانواده‌ها برای تربیت نسل منتظر، وظیفه دارند برتری‌های اخلاقی معصومین علیهم السلام را بازگو کنند و سیره آنان را نه تنها خود در عمل مراعات کنند، بلکه فرزندان و تمامی کسانی که با آنان در ارتباط هستند، را نیز در این امر یاری رسانند و از صبر و شکیبایی امام مهدی علیه السلام آگاه سازند و مقام و منزلت آن امام را بیان نمایند و همچنین در تبیین چهره واقعی

امامت تلاش نموده و رهنمودهای آنان را در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ترسیم کنند.

بر اساس آنچه گفته شد وظیفه مهم منتظران این است که فضایل و مناقب حضرت ولی عصر علیه السلام را برای خود، خانواده و دیگران بازگو کنند و در معرفت آن امام بکوشند و با پرهیزگاری، زمینه ظهور ایشان را فراهم سازند و به همین طریق ممکن و منطقی در تعظیم و بزرگداشت آن بزرگوار تلاش نمایند^۱.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
 ۲. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
 ۳. ابن بابویه، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم، النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش.
 ۴. احمدبن حنبل، مسند الامام احمدبن حنبل، دار الفکر - دار الصادر.
 ۵. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴ ش.
 ۶. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه، میراث ماندگار، ۱۳۸۵ ش.
 ۷. حرانی، ابومحمد، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، آل علی، ۱۳۸۲ ش.
 ۸. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبران و اهل بیت علیهم السلام، تربیت دینی، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه
 ۹. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
 ۱۰. رشیدپور، عبدالمجید، تربیت از دیدگاه وحی، هجرت، ۳۷۰ ش.
 ۱۱. رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۳، ۱۳۸۱ ش.
 ۱۲. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌سازی، عطار، ۱۳۷۹ ش.
 ۱۳. ستاد گسترش فرهنگ مهدویت، برترین‌های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، مؤسسه بوستان کتاب قم، چ اول، ۱۳۸۲ ش.
 ۱۴. سیدرضی، نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی.
 ۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، انتظار عامل مقاومت، کتاب فروشی اندیشه، بی‌تا.
 ۱۶. _____، منتخب الاثر فی الامام ثانی عشر، مکتب آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰ ش.
 ۱۷. _____، نوید امن و امان پیرامون شخصیت، زندگانی و ظهور ولی عصر، ۱۳۷۵ ش.
 ۱۸. صفایی حائری، علی، تو می‌آیی، لیلۃ القدر، ۱۳۸۰ ش.
 ۱۹. طاهری، حبیب‌الله، سیری در مسائل خانواده، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
-
۱. محمدباقر فقیه ایمانی، فوز اکبر در توسلات به امام منتظر علیه السلام، ص ۱۵۱.

۲۰. فقیه ایمانی، محمدباقر، فوز اکبر در توسلات به امام منتظر علیه السلام، تهران، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۲۰ق.
۲۱. کارن هورنای، تضادهای درونی ما، ترجمه محمدجعفر مصفا، بینا، بهجت، ۱۳۸۶ش.
۲۲. کاظم، محمد، الزواج المبكر فی الطب و الدین و المجتمع، بیروت. المواهب، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، دار الحدیث، ۱۳۷۷ش.
۲۵. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، صدره، ۱۳۶۸ش.
۲۶. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ۲ج، مؤسسه البعثة، الدراسات الاسلامیة، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۷. مهدویان، حسن، بهاری ترین فصل انسان، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ش.
۲۸. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینة البحار، برگ شقایق، ۱۳۸۰ش.
۲۹. هندی، علی المتقی بن حسام الدین، کنز الاعمال فی سنن الاقوال و الافعال، چاپ پنجم، بیروت، ۱۴۰۵ق.